

کوشش‌های مسلمانان برای فتح جزیره سردانیه از سده اول تا پنجم هجری

یونس فرهمند¹، قدریه تاج‌بخش²
(دریافت مقاله: 95/12/09 - پذیرش نهایی: 96/05/10)

چکیده

در این مقاله علل و پیامدهای حملات دریایی مسلمانان به جزیره سردانیه، بررسی شده است؛ مسلمانان در فاصله 84 تا 446 ق، به منظور جلوگیری از حمله‌های مکرر اُسطول‌های بیزانس به شهرهای ساحلی مفتوحه، تأدیب مسیحیان مغرب، دستیابی به منابع اقتصادی - نظامی جزیره و نیز سلطه بر راه تجاری دریای مدیترانه، به سردانیه یورش بردند، اما دستاورد آن‌ها در این زمینه اندک و به وضع جزیه بر ملوک این جزیره در برخی از دوره‌ها محدود بود. حملات مسلمانان به سردانیه موجب کشته‌شدن شمار زیادی از لشکریان مسلمان و صرف بودجه‌های هنگفت نظامی شد. با این حال مسلمانان در دوره مجاهد عامری در 406 ق سردانیه را فتح کردند، هر چند از ثمرات این فتح نیز بهره‌ای نبردند. چه، مجاهد پیش از تثبیت قدرت، به سواحل جنوا و پیزا حمله و شهر لونی را تاراج کرد؛ این اقدام، هراس کلیسا و اعلان جنگ بر ضد مسلمانان از سوی پاپ بندیکت هشتم را در پی داشت و سبب گردید بیزانسیان با کمک ایتالیا، یک سال بعد سردانیه را بازپس گیرند.

کلید واژه‌ها: اغلبیان، امویان، سردانیه، دریای مدیترانه، فاطمیان، مجاهد عامری.

1. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: farahmand@srbiau.ac.ir

(نویسنده مسئول)؛

2. دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه تهران؛

Email: Ghtajbakhsh@yahoo.com

طرح مساله

سردانیه^۱ یکی از جزایر ایتالیا است که به سبب مجاورت با شمال آفریقا و اندلس، از طریق دریای مدیترانه، به آسانی در معرض دست‌اندازی مسلمانان قرار داشت. به‌رغم گسترش قلمرو مسلمانان در دورهٔ عمرین خطّاب، به سبب مخالفت وی با گسترش حملات نظامی در دریاهای آزاد، مسلمانان، جزایر دریای مدیترانه از جمله سردانیه را که در قلمرو امپراتوری بیزانس بود، فتح نکردند. با این همه، در دوره عثمان بن عفّان و سپس خلافت امویان، در این سیاست تجدید نظر شد و مسلمانان برای دفاع از شهرهای مفتوحه ساحلی شام، مصر، مغرب و اندلس و مقابله با ناوگان دریایی بیزانس، نیروی دریایی کارآمدی ایجاد کردند تا افزون بر دفاع از شهرهای ساحلی و بنادر، فتوحات را در آن منطقه پیگیری کند.

جزایر دریای مدیترانه از تأثیر غیرمستقیم گسترش فتوحات مسلمانان برکنار نماند و از ۲۲ق اغلب به پناهگاه فراریان و ناراضیان از حکومت اسلامی تبدیل شد یا محلّ تأمین سلاح برای این ناراضیان گردید. از این‌رو، مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی، حملات دریایی بر ضدّ حکام بیزانس و به منظور فتح جزایر و بنادر دریای مدیترانه از جمله سردانیه سامان دادند. در این مقاله کوشش شده است به این پرسش‌ها، پاسخ داده شود: زمینه‌ها و علل اقدام مسلمانان برای فتح سردانیه چه بود؟ عوامل طولانی شدن فتح این جزیره چه بود؟ فتح سردانیه برای مسلمانان و سکنهٔ مسیحی شهر چه پیامدهایی داشت؟ و چه عامل یا عواملی در ناکامی مسلمانان در حفظ سردانیهٔ اسلامی تأثیر گذاشت؟

پیشینهٔ تحقیق

به‌جز مدخل سردانیه در *دایره‌المعارف اسلام*^۲ که در یک و نیم ستون، گزارشی مختصر دربارهٔ سردانیه ارائه کرده است و به سبب وصفی بودن، نمی‌توان آن را در شمار نوشته‌های تحقیقی به‌شمار آورد، پژوهش دیگری دربارهٔ کوشش‌های مسلمانان برای فتح جزیرهٔ سردانیه از سدهٔ اول تا پنجم هجری صورت نگرفته است. با این همه، دو دسته از مطالعات، نقشی راهگشا برای پژوهش در این موضوع دارند. نخست، مطالعاتی که دربارهٔ وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صقلیهٔ اسلامی صورت گرفته است. *تاریخ مسلمانان*

1. Sardinia/ Sardegna/ Sardigna

2. See; *EF*, s.v, "Sardaniya"

صقلیه^۱ نوشته میخائیل آماری و *تاریخ صقلیه الاسلامیه* اثر عزیز احمد^۲ از این جمله‌اند. این نوشته‌ها، به پرسش‌های این پژوهش پاسخی نداده‌اند، اما به سبب ارائهٔ نگاهی گذرا به اوضاع جزایر دریای مدیترانه از دورهٔ باستان تا عصر اسلامی، اهمیت دارند، به‌ویژه این که میخائیل آماری برای تبیین وقایع تاریخی از پاره‌ای اسناد ارزشمند غیر اسلامی، بهره برده است. دسته دوم تک‌نگاری‌هایی است که دربارهٔ سردانیه نوشته شده است. از قبیل، <سردانیه در منابع عربی>^۳، <سردانیه مسلمانان در حوزه مدیترانه>^۴ و <تاریخ و باستان‌شناسی سردانیه از عصر سنگی تا قرون میانه>^۵. در مقاله نخست، نویسنده صرفاً در پی بررسی و شناخت منابع عربی مهمی است که به زبان، تبار، مردم و باستان‌شناسی و تاریخ سردانیه از دوره باستان تا زمان حاضر پرداخته است و از این‌رو در محدودهٔ پژوهش حاضر نمی‌گنجد. در مقاله دوم، نویسنده ضمن تقسیم‌بندی مناطق مختلف دریای مدیترانه به دو بخش شرقی و غربی (و اشاره به سردانیه در بخش غربی)، صرفاً به عوامل تاریخی پرداخته است که سبب شده مناطق مختلف حوزه دریای مدیترانه به‌ویژه در دورهٔ اسلامی، سرنوشت مشترکی داشته باشند. در سومین اثر، نویسنده به چگونگی و زمان اسکان مردم در سردانیه و وضع اجتماعی و اقتصادی جزیره در دوره‌های گوناگون باستانی، پرداخته است.

تحولات جغرافیایی - تاریخی سردانیه

سردانیه دومین جزیره بزرگ پس از صقلیه (سیسیل) در غرب دریای مدیترانه، امروزه در کشور ایتالیا واقع است (The Times comprehensive atlas of the world, map 77). واژه سردانیه برگرفته از نام ساردوس/سارودس بن هرقل یکی از شاهزادگان روم است که در سدهٔ ششم میلادی این جزیره را به متصرفات امپراتوری روم شرقی (بیزانس) افزود (حمیری، ۳۱۴). پیش از بیزانسی‌ها، فنیقی‌ها و سپس یونانیان بر سردانیه استیلا یافته و

1. Amari, Michele, *Storia Del musulmani di Sicilia*, Firenze, 1854

۲. احمد، عزیز، *تاریخ صقلیه الاسلامیه*، ترجمه امین توفیق طیبی، طرابلس، ۱۳۸۹/۱۹۸۰م.

3. G. Contu, "Sardinia in Arabic Sources", *AnnalSS* 3 2003 (2005) and see: http://hostweb3.ammin.uniss.it/lingue/annali_file/vol_3/12_contu.pdf

4. Lai, Francesca Lai, "Muslim Sardinia in Mediterranean Context", Paper presented at: ATINER (Athens Institute for Education and Research), 4th Annual International Conference On Mediterranean Studies, 20-23 April 2011, Athens' http://veprints.unica.it/662/1/Atiner_eprint.pdf.

5. Dyson, Stephen L. and Rowland, JR, Robert. J, *Archaeology and history in Sardinia from the Stone Age to the Middle Ages*, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, 2007.

مهاجرنشین‌هایی دایر کرده بودند (برادفورد، ۵۱۳). پس از آن‌ها در سده ششم پیش از میلاد، کارتاژها سردانیه را تصرف کردند. کارتاژها تا ۲۳۸ ق.م که امپراطوری روم بر سردانیه استیلا یافت، در این جزیره حضور داشتند. در سده پنجم میلادی، واندال‌ها سردانیه را از چنگ رومیان درآوردند و حدود یک قرن بر آن حکومت کردند. مقارن با ظهور اسلام در سده ششم میلادی و کوشش مسلمانان برای فتح سردانیه، این جزیره در تصرف امپراتوری روم شرقی بود (نک: عوض محمد، ۱۷۵-۱۷۷؛ Lai, 3; Dana and Michael, 12- 15; Dyson and Rowland, 112- 196). ساکنان سردانیه در این سده بیشتر بت‌پرست بودند و تیندارو، اسقف مسیحی، برای جذب آن‌ها به مسیحیت بسیار کوشید و حتی ناگزیر برای جذب آن‌ها به‌ویژه با اقلیت همیشه مسلح و قدرتمند بربرچینی^۱ قراردادهایی بست (Amari, 1/17- 18).

جزیره سردانیه ناحیه‌ای کوهستانی بود که از شمال به جنوب امتداد داشت (ادریسی، ۵۸۴/۲). ساکنان سردانیه رومیان افریقایی و بربری‌تبار و نیز فرنگیان مسیحی بودند که زندگی در کوهستان، آن‌ها را به مردمانی قوی با روحیه خشن و سوارکارانی ماهر تبدیل کرده بود (نویری، ۲۳۴/۱؛ دمشقی، ۱۹۰)؛ رومی بودن سردانیان به تبار ایتالیایی آن‌ها، افریقایی بودن، به تبار افریقی - فنیقی مسیحیان آنجا و بربریت نیز به اختلاط قومی بربران سردانیه با دیگر اقوامی که در عصر قدیس گریگوریوس در سردانیه سکونت یافتند، اشاره دارد (Amari, 3/6, note 2). این جزیره یکی از مراکز دوازده گانه اسقف‌نشین روم بود و بطریق سردانیه بر جزایر اطراف در دریای مدیترانه نظارت داشت (ابن خردادبه، ۱۰۹). سردانیه زمین‌های حاصلخیزی داشت و کشاورزی و باغداری آن پر رونق بود (مسعودی، ۶۸؛ نویری، ۵۳/۲۴). وجود معادن آهن و نقره و امکان صید مرجان نیز موجب شهرت بسیار سردانیه شده بود (ابن سعید مغربی، الجغرافیا، ۱۶۸؛ دمشقی، همانجا؛ ابوالفداء، ۱۹۱/۲؛ بیرم الخامس، ۲۷/۲). نقره در سردانیه به قدری فراوان بود که به روم صادر می‌شد (ادریسی، همانجا). با این همه، دسترسی به سردانیه به‌سبب وجود موانع طبیعی از جمله وزش طوفان‌های سهمگین دریایی (ابن جبیر، ۲۰) و نیز روحیه جنگی ساکنان آن، همواره دشوار بود. از این‌رو، مهاجمان، معمولاً پس از استیلا بر سردانیه، حکومت آن را به حکام محلی واگذار می‌کردند (عنان، ۱۹۱/۲).

۱. ایتالیایی‌ها این گروه را barbaricini خوانده‌اند. به نظر می‌رسد قوم بارباچیا (Barbagia) که امروزه در مناطق کوهستانی سردانیه زندگی می‌کنند، بازماندگان بربرچینی‌ها باشند (نک: برادفورد، ۵۱۴-۵۱۵).

لشکرکشی‌های مسلمانان به سردانیه و پیامدهای آن

نام این جزیره به شکل‌های سردانیه (خلیفه بن خیاط، ۳۰۰، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹؛ ابن عبدالحکم، ۲۳۷؛ ابن قتیبه، ۷۱-۶۹/۲)، سردینی (عمری، ۵۵۷/۹)، پاورقی ۴؛ ابن بطوطه، ۱۹۱/۴؛ خانجی، ۹۱/۲، ۹۲)، سردینیا (قدامه بن جعفر، ۱۴۶، پاورقی ۱۲؛ خانجی، ۱۱۲/۲) سرتانیه (ابن خردادبه، ۲۳۱؛ قدامه بن جعفر، ۱۴۶) و سردانیا (تونسی، ۵۷۳/۲؛ بیرم الخامس، ۱۹۴/۱؛ ۴/۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸) ضبط شده است. قدیم‌ترین مورخی که به ذکر حملات مسلمانان به سردانیه در ۱۰۹ تا ۱۱۹ هجری اشاره کرد، خلیفه بن خیاط (۳۰۰، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹)، متوقی ۲۴۰ ق است و نخستین گزارش تفصیلی درباره آغاز حمله مسلمانان به سردانیه در ۸۴ ق. از ابن قتیبه دینوری (۷۱-۶۹/۲) متوقی ۲۷۶ ق است. سردانیه به سبب قرار گرفتن در زمره شهرهای مهم حوزه دریای مدیترانه و نزدیکی به تونس در شمال آفریقا، همانند صقلیه و دیگر جزایر و بنادر این منطقه، بارها مورد تاخت و تاز مسلمانان قرار گرفت. نخستین حمله مسلمانان به سردانیه در دوره امویان و پس از انتصاب موسی بن نصیر به ولایت مغرب آغاز شد؛ هرچند هدف از این حملات مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد افزون بر انگیزه جهاد و گسترش اسلام، مقابله با هجمه‌های مکرر اُسطول‌های بیزانسی به شهرهای ساحلی مفتوحه در مغرب و اندلس اسلامی و تأدیب مسیحیان خائن ساکن در مغرب به‌ویژه در شهر قرطاجنه که پیوسته بیزانسیان مسیحی را علیه مسلمانان یاری می‌کردند، از انگیزه‌های این حملات بود. به‌علاوه دستیابی به معادن سرشار نقره در سردانیه که در تقویت ذخایر پولی مسلمانان بس موثر بود و جنگل‌های انبوه آن که برای کشتی‌سازی مسلمانان مورد نیاز بود، در اقدام به این حملات بی‌تأثیر نبود. تسلط بر راه تجاری دریای مدیترانه نیز از دیگر اهداف مسلمانان در لشکرکشی به این جزیره بود (ادریسی، همانجا؛ دمشقی، همانجا؛ نیز نک: Amari, 1/123-124). موسی بن نصیر ظاهراً با آگاهی از دشواری‌های فتح سردانیه، در ۸۴ ق در شهر تونس دارالصناعه‌ای با یکصد کشتی ساخت و خود را برای نبردی گسترده آماده کرد (ابن قتیبه، ۷۰-۶۹/۲). نخستین حملات را عطاءبن نافع فرماندهی کرد. وی در بندر سوسه ناوگان خود را با انواع ابزار و آلات جنگی تجهیز کرد و به‌رغم هشدارهای مکرر موسی بن نصیر مبنی بر به تعویق انداختن حمله تا فصل بهار، به سردانیه حمله کرد و غنایم بسیاری از طلا، نقره و سنگ‌های گرانبها به دست آورد، اما به هنگام بازگشت گرفتار طوفان‌های دریایی شد و جز تعدادی اندک،

همه دریانوردان و اسرا و غنایم به چنگ آمده، غرق شدند (همو، ۷۰/۲؛ نیز: Amari, 1/168). سه سال بعد، موسی بن نصیر دو لشکر یکی به فرماندهی پسرش عبدالله و دیگری عبدالله بن حذیفه بدانجا گسیل کرد (خلیفه بن خیاط، ۳۰۰). در ۸۹ق نیز عبدالله بن مَرّه از جانب موسی بن نصیر به غزای سردانیه رفت؛ آنان حدود سه هزار اسیر و مقادیر زیادی طلا و نقره و نیز محصولات کشاورزی به غنیمت گرفتند (ابن قتیبه، ۷۱/۲). مهم ترین حمله به سردانیه در ۹۲ق. صورت گرفت. به نوشته ابن عبدالحکم (۲۳۷)، سردانی‌ها در این سال برای جلوگیری از دستیابی مسلمانان، طلا و نقره و دیگر ذخایر کنیسه‌ها را میان تزئینات سقف کنیسه پنهان کردند. با این همه، مسلمانان نه تنها به گنج‌ها و ذخایر کنیسه‌های سردانیه دست یافتند و با غارت دارایی‌های فراوان آن خشم سردانیان را برانگیختند، بلکه پس از آن به مفسد بسیار و اعمال خلاف شرع نیز دست یازیدند؛ از آن جمله، آنان به همراه فرمانده خود موسی بن نصیر از بیم آگاهی خلیفه اموی ولید بن عبدالمک (حک: ۸۶-۹۶ق) و ضبط غنایم، طلا و نقره‌ها را در سرنیزه‌ها جاسازی کرده و دستگیره شمشیر را به عنوان حفاظ روی آن قرار دادند. برخی نیز شکم پرنده‌ای مشهور به قطا (مرغ سنگ‌خواره) را که ظاهراً در آنجا بسیار بود، پس از ذبح، مملو از نقود و سکه‌ها ساختند. نیز نک: Amari, 1/169-170). سردانیان با صدایی بلند مسلمانان را به هنگام بازگشت، با دعای «أَغْرِقْهُمْ يَا اللَّهُ» نفرین و بدرقه کردند. با این همه، قوای نظامی مسلمانان از نتایج این نبرد دریایی بهره‌ای نبرد و در راه بازگشت به مغرب به جز شمار اندکی، همگی در دریا غرق شدند (ابن اثیر، ۵۶۸-۵۶۷/۴؛ نیز نک: نویری، ۵۴-۵۳/۲۴؛ مّقری، ۲۸۹/۱) و چندی بعد از میان اجساد آن‌ها در ساحل، کمرندهایی به دست آمد که در میان آن طلا و نقره با ظرافت جاسازی شده بود (Ibid, 1/170). برخی از منابع، غرق شدن مسلمانان را به نفرین سردانیان نسبت داده‌اند (برای نمونه نک: ابن عبدالحکم، ۲۳۷؛ ابن اثیر، ۵۶۸/۴).

مسلمانان در فاصله ۱۰۳ تا ۱۱۹ق در دوره‌های ولایت بَشْرِبَن صَفْوَان و یَزیدِبن مَسْرُوق یَحْصِبِی و عبیدالله/عَبیدَه بن حَبَاب بر شمال آفریقا، هشت بار به سردانیه تاختند؛ آن‌ها در شش لشکرکشی نخست در دوره بشر و یزید، به سبب مقاومت سرسختانه ساکنان جزیره، به جز کسب غنایم و کشتار و اسارت شماری از مسیحیان، نتیجه پایداری بدست نیاوردند (خلیفه بن خیاط، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹؛ ابن عساکر، ۲۳۵/۱۰؛ ۴۱۶/۳۷؛ ۱۶۷/۳۸؛ ذهبی، ۳۱۶/۷؛ ابن تغری بردی، ۲۸۳-۲۸۲/۱) و

دو نبرد دیگر نیز در دورهٔ عبیدالله، به سبب شورش‌های بربران در مغرب اسلامی بی‌نتیجه ماند؛ ابن حَبَاب در ۱۱۷ق فرزندش اسماعیل را به جای خویش در شمال آفریقا گماشت و با لشکری عظیم به فتح سردانیه رفت، اما قوای اعزامی به سبب شورش مِیسِرَة مدَغْرَی (مَطَغْرَی) بربری بزودی بازگشت؛ چه، مدغری با بهره‌گیری از غیبت طولانی مدّت لشکریان مسلمان مغرب و در پاسخ به دعوت صُفریانِ خارجی مذهب در طنجه عَلم طغیان برافراشته و اسماعیل بن عبیدالله بن حَبَاب را به قتل رسانده بود. از این‌رو، ابن حَبَاب به‌رغم دستیابی به چند پیروزی، ناگزیر از این غزوه دریایی بازگشت (خلیفه بن خیاط، ۳۴۸؛ نویری، ۵۸/۲۴-۶۰؛ نیز نک: عنان، ۱۱۹/۱). با این حال ابن حَبَاب در ۱۱۹ق لشکری دیگر به سردانیه فرستاد، اما ناوگان‌های وی پس از فتح قلعه‌ای در سردانیه در راه بازگشت، ظاهراً به سبب طوفان‌های دریایی در هم شکست و شماری غرق شدند و برخی نیز به اسارت رومیان درآمدند (ابن عساکر، ۴۱۶/۳۷).

اگرچه این حملات، موجب استقرار حکومت مسلمانان در سردانیه نشد، اما موجب شد که لیوت پرنده^۱، پادشاه لومباردها، از بیم تهاجم مسلمانان و دستیابی به گنجینه‌های فرهنگی - دینی سردانیه، ظاهراً در فاصله ۱۰۳ تا ۱۰۸ق، جسد قدیس آگوستین^۲ را که از ذخایر ارزشمند کلیسا به‌شمار می‌رفت، از شهر کالیاری^۳ در جنوب سردانیه خارج کرده، به پویا^۴، در شمال ایتالیا، منتقل کند. از نظر نویسنده تاریخ لِنباردی‌ها^۵ علت باقی ماندن این گنجینه دینی تا امروز، همین اقدام لیوت پرنده بود (EF^۲, s. v. Sardaniya). در اواخر دورهٔ امویان، مسلمانان ظاهراً به سبب درگیری‌های داخلی، حدود دو دهه از اعزام لشکر به سردانیه بازماندند. در دوره عباسیان، حمله به سردانیه از سر گرفته شد. نخستین بار در ۱۳۵ق عبدالرحمن بن حَبیب، سپاهی به جزیره فرستاد و بر ساکنان آن جزیره بست (سلاوی، ۱۵۸/۱؛ ابن خلدون، ۲۴۳/۴). وی پس از آماده‌سازی ناوگانی مجهز و تأدیب بربرانِ تلمسان، بدین اقدام دست زد و از این رو به پیروزی‌هایی دست یافت، اما به سبب احساس ناامنی از جانب بربران شمال آفریقا و نداشتن پشتوانه‌ای مستحکم، ناگزیر به مغرب بازگشت و فتح سردانیه به نتیجه کامل نرسید. قسطنطین پنجم^۶،

1. Liutprand
2. Saint Augustine
3. Cagliari
4. Pavia
5. Historia Langobardorum
6. Constantine V

امپراتور بیزانس، از این فرصت برای بازسازی سردانیه بهره گرفت و ناوگان دریایی نیرومندی برای حفاظت و تقویت استحکامات آن ایجاد کرد. این ناوگان به حدی قدرتمند بود که از تمامی نقاط دریای مدیترانه نگهبانی می‌کرد و حتی بر کشتی‌های تجاری مسلمانان نیز می‌تاخت (Amari, 1/175؛ نیز نک: احمد، ۱۱). از این پس سردانیه تا حدود یک سده بعد که اغلبیان (حک: ۱۸۴-۲۹۶ق) تهاجم را از سر گرفتند، از حمله مسلمانان در امان ماند. ناکامی مسلمانان در این دوره، بی‌گمان از یک سو به سبب شورش‌های مکرر بربران و ناآرامی اوضاع سیاسی - اجتماعی شمال آفریقا و از دیگر سو به علت سیاست‌های توسعه طلبانه امپراتوری بیزانس در دریای مدیترانه بود (Amari, 1/175؛ احمد، ۱۳).

در دوره اغلبیان، دیگر بار حملات به جزیره از سر گرفته شد و عبدالله بن ابراهیم اغلبی پس از ایجاد نیروی دریایی قوی، عازم تصرف سردانیه شد، اما ناوگان او بر اثر طوفان در نزدیکی جزیره نابود شد (همان، ۱۲). پس از وی زیاده‌الله بن ابراهیم اغلبی دو لشکر در ۲۰۱ و ۲۰۶ق به سردانیه اعزام کرد که نتیجه چندان در پی نداشت؛ نیز سپاهی به فرماندهی اسدبن فرات در ۲۱۲ق اعزام کرد که به سبب حسادت برخی از رقبای ابن فرات، به شکست مسلمانان انجامید (یحصبی، ۳۰۴/۳-۳۰۵؛ ابن اثیر، ۳۲۹/۶، ۳۷۹؛ ابن عذاری، ۹۷/۱).

پس از اغلبیان، مسلمانان به عللی که بر ما پوشیده است، به مدت یک سده از حمله به سردانیه دست کشیدند تا این که فاطمیان با تشکیل نیروی دریایی قوی در فاصله ۳۲۲ تا ۳۸۶ق، سردانیه را دیگر بار آماج تاخت و تازهای خود قرار دادند. نخستین نبرد دریایی در دوره عبیدالله المهدی اتفاق افتاد (ابن خلدون، ۳۱۵/۱) و جنوب ایتالیا از آن پس تا زمان مرگ خلیفه به سبب تعهد بیزانسیان مبنی بر پرداخت جزیه سالانه به دولت فاطمی، از حملات مسلمانان آسوده ماند. با این همه، دیری نپایید که فاطمیان در دوره قائم بامرالله (حک: ۳۲۲-۳۳۴ق) با بهره‌گیری از فرصت جنگ‌های داخلی میان حکام انتصابی امپراتوری بیزانس در صقلیه، حملات خویش به سردانیه را از سر گرفتند تا از طریق آن بر راه تجاری دریای مدیترانه سلطه یافته و به اوضاع اقتصادی - تجاری مصر و شام نیز رونق بخشند. بدین منظور قائم در ۳۲۲ق بیش از سی کشتی بر ناوگان خود افزود و یک سال بعد سپاهی از افریقیه به جایی فرستاد که منابع از آن به «ناحیه فرنگ» یاد کرده‌اند. این لشکر پس از فتح شهر جنوا، از سردانیه گذشت و کشتی‌های بسیاری را

به آتش کشید (ابن اثیر، ۳۱۰/۸؛ ابن وردی، ۲۵۹/۱؛ ابن خلدون، ۵۲/۴؛ نیز نک: آماری، تاریخ مسلمی...، ۱۸۶/۲-۱۸۷). با توجه به تصریح منابع به فتح بندر جنوا، به نظر می‌رسد مقصود از «ناحیه فرنگ» ایتالیا باشد. آخرین نبرد دریایی فاطمیان با سردانیان نیز در دوره منصور بن قائم (حک: ۳۳۴-۳۴۱ق) صورت گرفت (ابن اثیر، ۵۶۸/۴). اگرچه این لشکرکشی‌ها به فتح و سلطه کامل مسلمانان بر جزیره منجر نشد، اما ظاهراً بخش اعظمی از جزیره به تصرف مسلمانان درآمد. اقامت چهار ماهه معز فاطمی در سردانیه در ۳۶۲ق پیش از عزیمت به قاهره (نویری، ۱۴۰/۲۴) و سکونت چندین ماهه بادیس بن منصور زیری، والی حاکم بالله در افریقیه، پس از استقرار در مغرب در ۳۸۶ق (ابن اثیر، ۱۲۷/۹؛ نویری، ۱۸۵/۲۴) و تحمیل جزیه بر حکام جزیره از سوی یحیی بن تمیم زیری نشان دهنده تسلط مسلمانان بر بخش‌هایی از جزیر است (آماری، المکتبه العربیه...، ۴۸۶).

فتح و بازپس‌گیری سردانیه

در سده پنجم هجری که اندلس صحنه منازعه قدرت‌های رقیب ملوک‌الطوایف بود (ضبی، ۶۳۲/۲)، مجاهد عامری، حاکم دانیه و جزایر شرقی اندلس، به تصرف جزیره سردانیه چشم داشت. وی با تجدید بنیاد کارگاه کشتی‌سازی دانیه و تجهیز آن به ۱۲۰ کشتی بزرگ و کوچک، بزرگ‌ترین ناوگان جنگی اندلس را ایجاد کرد (Amari, 3/5؛ نیز نک: عنان، ۱۹۰/۲) و با استفاده از آن در ۴۰۶ق به سردانیه که در آن زمان در زمره قلمرو امپراتوری بیزانس بود، حمله برد و آن را در مدت زمانی کوتاه تصرف کرد (حمیدی، ۳۵۳؛ ابن اثیر، ۵۶۸/۴؛ ابن سعید مغربی، المغرب...، ۴۰۱/۲). این نبرد از دو جهت کثرت و عظمت سپاه و نیز عزم راسخ فرمانده برای تسخیر و استقرار در سردانیه، با حملات پیشین تمایز داشت. سپاهیان مجاهد، به محض پهلوگیری ناوگان‌ها در سواحل خلیج کالیاری، به سرعت راه خود را به درون جزیره گشودند و با وجود مقاومت شدید مدافعان، در جنگی خونین و هولناک، شمار زیادی از سردانیان از جمله فرمانده قوای نظامی آنان مالوتو را کشتند و بسیاری از زنان و کودکان را اسیر کردند و بخش‌هایی از جزیره و همه دژهای مستحکم آن را تصرف کردند (حمیدی، ۳۵۳؛ ضبی، همانجا؛ ابن اثیر، همانجا؛ ابن خلدون، ۲۱۱/۴؛ نیز Amari, 3/6-7).

مجاهد پس از ورود به سردانیه با وجود عصیان‌های مستمر اهالی، در تقویت استحکامات و فراهم ساختن وسایل دفاعی کوشید. وی در سردانیه شهری ساخت و زنان

و فرزندان خویش را به آنجا منتقل کرد. سپس به‌رغم دو دستگی و اختلاف میان لشکریان و با وجود هشدارهای ابوخرّوب، فرمانده نیروی دریایی مجاهد، وی تصمیم گرفت به بیزانس یورش برد (حمیدی، ۳۵۳؛ نیز 8-3/7- Amari). او ناوگانی به سوی سواحل جنوا و پیزا گسیل و شهر لونی را تاراج کرد و موجب هراس رجال کلیسا و دولت ایتالیا شد. از این رو، پاپ بندیکت هشتم^۱ با هدف جنگ با مسلمانان معاهده‌ای میان حکام بنادر ایتالیا و بیزانسیان مسیحی منعقد و بر ضد مسلمانان اعلان جنگ کرد. با ورود کشتی‌های جنوایی و پیزیایی و دیگر مسیحیان به آب‌های جزیره کالیاری، مجاهد به دفاع پرداخت، اما همراهی اهالی جزیره با مسیحیان مهاجم و تمرّد سپاهیان مزدور مسیحی در لشکر مجاهد از یک سو و نامساعد بودن هوا و وزش طوفان‌های پی‌درپی دریایی از دیگر سو، موجب سستی خطّ دفاعی مسلمانان و درهم شکسته شدن مقاومت آن‌ها در اواخر ۴۰۶ ق شد. از این رو، ناوگان‌های مسیحیان در نبردی هولناک مسلمانان را شکست دادند و افزون بر دستیابی به بسیاری از ناوگان‌ها و دارایی‌های آنان، علی‌فرزند مجاهد و مادر نصرانی وی و زنان و دخترانش را نیز اسیر کردند (ابن حزم، ۲۲۸/۲؛ ابن خطیب، ۲۰۴/۲؛ ابن خلدون، همانجا؛ نیز: 3/7-10 Amari). بدین ترتیب تلاش‌های مستمر و اقدامات طولانی مسلمانان برای استقرار در سردانیه با شکست مواجه شد (نویری، ۴۶۷/۲۳).

مجاهد برای تمشیت امور به دانیه بازگشت و برای رهایی زن و فرزندش کوشید. او با پرداخت فدیّه، همسر، دختران و برادرانش را آزاد کرد، اما همسر و خواهرش از آمدن نزد وی سرباز زده و در بلاد مسیحیان ماندند و مجاهد نیز از آنان روی گردانید. پس از آن وی برای آزادی فرزندش علی کوشید، اما حاکمان مسیحی سردانیه با هدف جلوگیری از حملات بعدی مسلمانان، فرزند وی را به مدت ده سال به عنوان گروگان نزد خود نگه داشتند و سرانجام با اخذ فدیّه‌ای کلان و تعهد از مجاهد مبنی بر خودداری از حمله به این جزیره، او را آزاد کردند (ابن خطیب، ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن عذاری، ۱۵۷/۳).

چهار دهه بعد، مسلمانان در ۴۴۶ ق برای فتح و استقرار مجدد سردانیه کوشیدند، اما فرجامین تلاش آنان نیز به دلیل اتحاد و مقاومت سرسختانه نیروهای رومی و فرنگی به ناکامی و اخراج همیشگی مسلمانان از جزیره منجر شد (نویری، ۴۶۷/۲۳؛ ابن اثیر، ۵۶۸/۴؛ ۲۹۰/۹). در قرن هشتم ابن بطوطه (۶۶۹/۱) در مسیر بازگشت به مغرب، از لنگرگاه جزیره دیدار و از نظارت شدید سردانیان بر ورودی دروازه، قلعه‌های مستحکم و

1. Benedetto ottavo

بازارهای پررونق آن با شگفتی یاد کرده است. سردانیان دور تا دور بندرگاه را با تخته سنگ‌های بزرگ حصار کشیده بودند و دروازه شهر و ورود و خروج کشتی‌ها را به دقت زیر نظر داشتند.

پس از اخراج عرب‌های مسلمان از سردانیه در قرن پنجم هجری، این جزیره به محل مناقشه جنوا و پیزا برای دستیابی به اراضی و نیز تجارت آن تبدیل شد و در نهایت به بندر پیزا ملحق شد (Amari, 3/10- 11). با این همه، کشمکش‌های آنان بر سر تملک جزیره هم چنان ادامه یافت تا این که دولت آراگون در ۷۲۷ق بر آن استیلا یافت (Facaros and Pauls, 15-18) و تا ۸۸۴ق قدرت بلامنازع در جزیره بود. پس از ازدواج فردیناند، پادشاه آراگون، با ایزابلا، ملکه قشتاله (کاستیل) در ۸۸۴ق، اسپانیا، سردانیه را تصرف کرد و تا ۱۱۲۰ق آن را در اختیار داشت (Ibid, 18-19). ناپلئون بناپارت در سده دوازدهم هجری این جزیره را تصرف و به قلمرو فرانسه افزود (Christiani and Maric, 16). سرانجام، با اعلان پادشاهی ایتالیا از سوی ویکتور امانوئل دوم^۱ در ۱۲۷۸ق، این جزیره بخشی از کشور ایتالیا شد (Facaros and Pauls, 20) و سردانیان در فاصله ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ق خودمختاری گرفتند (Ibid, 23).

ناکامی مسلمانان در حفظ سردانیه پس از فتح و عدم استقرار حکومت اسلامی در آن، مانع ظهور عالمان مسلمان در این جزیره شد. برخی از منابع به حضور ثابت‌بن محمد جرجانی، صاحب شرح کتاب الجمل، در جرگه قوای نظامی مجاهد عامری اشاره کرده‌اند (ضبی، ۳۱۰/۱). از مهم‌ترین آثار برجای مانده از دوره اسلامی در سردانیه سه کتیبه به خط کوفی و نوزده سکه است که در موزه باستان‌شناسی کالیاری نگهداری می‌شود (EP², s.v. Sardaiya)؛ کالیاری به عنوان نخستین سکونت‌گاه سردانیان، پایتخت و مرکز فرهنگی سردانیه است (بیرم الخامس، ۲۸/۲؛ نیز: Facaros and Pauls, 74).

نتیجه

سیاست گسترش مرزها و قلمرو حکومت اسلامی و نیز دفاع از شهرهای مفتوحه ساحلی شام، مصر، مغرب و اندلس، موجب شد که مسلمانان از سده نخستین هجری برای ایجاد نیروی دریایی بکوشند، تا افزون بر دفاع از این شهرها، بیزنسیان مسیحی را از دریای مدیترانه بیرون رانده و خود بر راه تجاری بین‌المللی آن مسلط شوند. در میان نواحی

مختلف دریای مدیترانه، جزیره سردانیه به موجب برخورداری از منابع عظیم اقتصادی - تجاری از جمله، معادن سرشار نقره که در تقویت ذخایر پولی مسلمانان موثر بود و جنگل‌های انبوه که چوب درختان آن در کشتی‌سازی کاربرد داشت، نقشی ممتاز داشت. از این‌رو، مسلمانان حملات خود به سردانیه را از ۸۴ق آغاز کردند، اما در دوره اموی، عباسی، اعلی و فاطمی با موانع متعددی برای فتح این جزیره روبرو شدند؛ از آن جمله، می‌توان به شورش‌های بربران، سیاست‌های توسعه‌طلبانه امپراتوری بیزانس در دریای مدیترانه، فقدان ناوگان‌های پیشرفته برای نبردهای دریایی، اختلاف در صفوف سپاهیان مسلمان، مقاومت شدید و روحیه جنگجویی ساکنان سردانیه و نیز وجود موانع طبیعی از قبیل وزش مستمر طوفان‌های سهمگین دریایی در نزدیکی جزیره، اشاره کرد. از این‌رو، لشکرکشی‌های این دوران دستاوردی جز تحمیل جزیه بر امرای جزیره و آن هم صرفاً در برخی دوره‌ها نداشت و حتی به تباهی بخش اعظمی از قوای دفاعی مسلمانان و اتلاف بودجه‌های هنگفت نظامی انجامید.

مسلمانان پس از سه و نیم سده کوشش، سرانجام به فرماندهی مجاهد عامری در ۴۰۶ق سردانیه را فتح کردند، اما عملکرد نادرست و شتابزده وی سبب گردید که نتوانند از این فتح بهره کافی ببرند و پس از یک سال، این جزیره را از دست دادند. مجاهد پیش از تثبیت قدرت خود در سردانیه، و به‌رغم هشدارهای فرمانده ناوگان دریایی اش مبنی بر خودداری از حمله به قلمرو امپراتوری بیزانس در دریای مدیترانه و متحدانش بویژه در فصل وزش طوفان‌های سهمگین دریایی، به سواحل جنوا و پیزا هجوم برد و شهر لونی را نیز غارت کرد که هراس رجال کلیسا و دولت ایتالیا را به همراه داشت. در پی این اقدام، اعلان محاربه پاپ بندیکت هشتم با مسلمانان، همراهی ساکنان سردانیه با قوای نظامی مسیحیان مهاجم و نیز ترمذ سپاهیان مزدور مسیحی لشکر مجاهد از فرمان وی و نامساعد بودن هوا و ناتوانی ناوگان مسلمانان از رویارویی با طوفان‌های سهمگین دریایی، اسباب درهم شکسته شدن زود هنگام خط دفاعی مسلمانان را فراهم کرد و موجب شد، مسیحیان، سردانیه را برای همیشه، بازپس گیرند.

منابع

- آماری، میخائیل، *المکتبه العربیة الصقلیة*، ترجمه قاسم محمد رجب، لیسبک: ۱۸۵۷م.
 همو، *تاریخ مسلمی صقلیه*، ترجمه محب سعد ابراهیم، لی مونیه، فلورنسا: ۲۰۰۳م/۱۳۸۲.
 ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: ۱۳۸۵-۱۳۸۶ / ۱۹۶۵-۱۹۶۶.
 ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *رحله ابن بطوطه*، چاپ عبدالهادی تازی، اکادیمیة المملکه المغربیه، ریاض: ۱۴۱۷ق.

- ابن تغری بردی، یوسف، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره: [۱۳۸۳]–۱۳۹۲/ [۱۹۶۳]–۱۹۷۲ م.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، *تذکره بالاخبار عن اتفاقات الاسفار*، بیروت – ابوظبی: ۲۰۰۸ م.
- ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، *رسائل ابن حزم الاندلسی*، چاپ احسان عباس، مؤسسه العربیه للدراسات و النشر، بیروت: ۱۹۸۷ م.
- ابن خرداذبه، عبیدالله بن عبدالله، *المسالك و الممالک*، دارصادر، بیروت: ۱۹۹۲ م.
- ابن خطیب، لسان الدین، *اعمال الاعلام*، چاپ کسروی سیدحسن، بیروت: ۱۴۲۴/۲۰۰۳ م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون المسمی دیوان المبتدا و الخبر*، چاپ خلیل شحاده و سهیل زگار، بیروت: ۱۴۰۸/۱۹۸۸ م.
- ابن سعید مغربی، ابو الحسن علی بن موسی، *الجغرافیا*، بیروت: ۱۹۷۰ م.
- همو، *المغرب فی حلی المغرب*، چاپ شوقی ضیف، دار المعارف، قاهره: ۱۹۵۵ م.
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبد الله، *فتوح مصر و المغرب*، چاپ علی محمدعمر، مکتبه الثقافه الدینیة، قاهره: ۱۴۱۵ ق.
- ابن عذاری، احمد بن محمد، *البيان المغرب فی اخبار الأندلس و المغرب*، چاپ س. کولان و ا. لوی پروونسال، بیروت: ۱۳۶۲/۱۹۸۳ م.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبه الله، *تاریخ دمشق*، چاپ عمرو بن غرامه عمروی، دار الفكر للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *الامامه و السیاسه*، بیروت: ۱۳۷۷/۱۹۵۷ م.
- ابن وردی، ابو حفص عمر بن مظفر بن عمر بن محمد ابن ابی الفوارس، *تاریخ ابن الوردی*، دارالکتب العلمیه، لبنان/ بیروت: ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.
- ابوالفداء، اسماعیل بن محمد بن عمر، *تقویم البلدان*، چاپ ریفورد و بارون ماک کوکین دیسلان، پاریس: ۱۸۴۰ م.
- احمد، عزیز، *تاریخ صقلیه الاسلامیه*، ترجمه امین توفیق طیبی، طرابلس: ۱۳۸۹/ ۱۹۸۰ م.
- ادریسی، محمد بن محمد، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، بیروت: ۱۴۰۹/ ۱۹۸۹ م.
- برادفورد، ارئل، *البحر المتوسط حضاراته و صراعاته*، ترجمه خلیفه محمد تلیسی، ۱۳۸۷/ ۲۰۰۸ م.
- بیرم الخامس، محمدمصطفی، *صفوه الاعتبار بمستودع الأمصار و الأقطار*، چاپ مأمون بن محیی الدین جنان، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
- تونس، خیرالدین، *اقوم المسالك فی معرفه أحوال الممالک*، چاپ منصف شنوفی، المجمع التونسي للعلوم و الآداب و الفنون، تونس: ۲۰۰۰ م.
- حمیری، محمد بن محمد، *روض المعطار فی خبر الاقطار*، چاپ احسان عباس، بیروت، ۱۹۸۰ م.
- خانجی، محمد امین، *منجم العمران فی المستدرک علی معجم البلدان*، مطبعه السعاده، قاهره: ۱۳۲۵ ق.

خلیفه بن خیاط، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، چاپ اکرم ضیاء العمری، دارالقلم و مؤسسه الرساله، دمشق - بیروت: ۱۳۹۷ق.

دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب، *نخبه الدهر فی عجائب البر والبحر*، بیروت: ۱۴۰۸ق.
ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: ۱۴۱۳/۱۹۹۳م.

سلاوی، احمد، *الاستقصا لخبار دول المغرب الاقصى*، چاپ احمد ناصری، دارالبیضاء، ۲۰۰۱م.
ضبی، احمد بن یحیی، *بغیه الملتمس*، چاپ ابراهیم ابیاری، قاهره و بیروت: ۱۹۸۹م/ ۱۴۱۰ق.
عمری، احمد بن یحیی، *مسالك الأبصار فی ممالک الأمصار*، چاپ مصطفی مسلم، ابراهیم صالح، بسام محمد بارود، یحیی وهیب جبوری، عماد عبدالسلام رؤوف و احمد عبدالقا شاذلی، المجمع الثقافي، ابوظبی: بی تا.

عنان، محمد عبدالله، *دوله الاسلام فی الاندلس*، قاهره: ۱۴۱۷/ ۱۹۹۷م.
عوض محمد، محمد، الصراع حول مضیق صقلیه، *مج الهلال*، السنة الحادية و الخمسون، ۲۶ ربيع الثاني ۱۳۶۲ - الجزء ۲.

قدامه بن جعفر، *الخراج و صناعه الكتابه*، چاپ محمد حسین زبیدی، بغداد: ۱۹۸۱م.
مسعودی، علی بن حسین، *اخبار الزمان و عجائب البلدان*، چاپ خالد علی نیهان، جیزه: ۱۳۹۲/ ۲۰۱۳م.
مقری، احمد بن محمد، *نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب*، چاپ احسان عباس، بیروت: ۱۳۸۸/ ۱۹۶۸م.

نویری، شهاب الدین احمد، *نهایه الارب فی فنون الأدب*، چاپ فهیم محمد شلتوت، قاهره: ۲۰۰۷/ ۱۴۲۸م.

یحصبی، ابوالفضل القاضی عیاض بن ترتیب، *المدارک و تقریب المسالك*، چاپ عبدالقادر صحراوی، مطبعه فضاله - المحمدیه، موسی، مغرب: ۱۹۶۶-۱۹۷۰م.

Amari, Michele, *Storia Del musulmani di Sicilia*, Firenze, 1854.

Facaros, Dana and Pauls Michael, *Sardinia*, London, 2006.

Christiani, Kerry and Maric, Vesna, *Lonely Planet Sardinia*, Lonely Planet, 2012.

Dyson, Stephen L. and Rowland, JR, Robert. J, *Archaeology and history in Sardinia from the Stone Age to the Middle Ages*, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, 2007.

Lai, Francesca Lai, "Muslim Sardinia in Mediterranean Context", Paper presented at: ATINER (Athens Institute for Education and Research), 4th Annual International Conference on Mediterranean Studies, 20-23 April 2011, Athens, http://veprints.unica.it/662/1/Atiner_eprint.pdf.

Oman. G, *EP*, "Sardaniya", Leiden, 1997.

The Times comprehensive atlas of the world, London: 2005.